

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۱۶ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت های درس استشهد کند؛
- ۵- معادل فعل مضارع سوم شخص جمع (لِلغَائِبِينَ، لِلغَائِبَاتِ، لِلغَائِبِيْنَ) را در عربی بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند؛
- ۶- بتواند در سفرهای زیارتی به خانه خدا و مدینه منوره و عتبات مقدسه در حد نیاز از توانایی های زبانی اش در زمینه عربی استفاده کند.^۲

فرایند آموزش

متن درس گفت وگویی بین زائری ایرانی و یک راننده تاکسی در شهر مکه مکرمه است. در این متن، هشت کلمه پرسشی هَلْ، أَمْ، مَنْ، مِمَّنْ، مَاذَا، لِمَاذَا، كَمْ و ما به کار رفته است. گفت وگویی متنوعی تنظیم شده که در آن شیوه درست مکالمه آموزش داده شده است. هرچند مکالمه هدف اصلی کتاب درسی نیست، ولی تمرین مناسبی برای یادگیری زبان عربی است و کلاس را فعال و پرتحرک می سازد. همچنین اطلاعات خوبی در اختیار دانش آموز قرار می دهد. بسیاری از کسانی که به مکه مشرف شده اند از موزه مکه آگاهی ندارند، درحالی که در آن آثار تاریخی حرمین شریفین نگهداری می شود؛ مانند ستون چوبی کعبه، آثار چاه قدیمی زمزم، عکس های قدیمی حرمین شریفین و بقیع شریف و ... پس از پایان متن، درس به روال دروس پیشین درک مطلب طراحی شده است که باید درست، یا نادرستی هر عبارت با توجه به متن درس طراحی شود.

۱- پیام درس یادآور این آیه شریفه است: ﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ..﴾ آل عمران - ۱۳۷. زائران ایرانی به زبان عربی آشنا هستند و این توانمندی آنها را نشان می دهد. راننده تاکسی در تعیین قیمت کرایه دچار خطا می شود، ولی آنان هوشیارند و تذکر می دهند. به موزه می روند، جایی بسیار دیدنی و مقدس که بسیاری از زائران از آن غافل اند و معمولاً کاروان های زیارتی به آنجا نمی روند. این خود گونه ای آموزش صحیح است.

۲- سؤال و جواب در حد گفت وگویی موجود در تمرینات است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

حَوَارٍ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ: گفت وگویی میان زائر و راننده تاکسی
– السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. – عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

– سلام بر شما (درود بر شما). – درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

کجا می‌روید؟

– نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. – أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. إِزْكَبُوا.

– به موزه مکه مکرمه می‌رویم. – خوش آمدید. بفرمایید. سوار شوید.

– كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟ – أَرْبَعِينَ رِيَالًا.

– چند ریال از ما می‌گیری؟ – چهل ریال.

– الْأَجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةٌ أَشْخَاصٍ. – عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيَالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ رِيَالَاتٍ.

– کرایه گران است. ما سه نفریم. – ببخشید؛ سی ریال. برای هر زائری ده ریال.

– هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ؟ – نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُونَ؟

– آیا پول ایرانی می‌پذیرید؟ – بله؛ اشکالی ندارد. ای جوان‌ها، آیا شما ایرانی

هستید؟

– نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ – أَنَا بَاكِسْتَانِيٌّ^۱ وَ أَشْتَعِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي كُنْتُ أَشْتَعِلُ

فِي الْمَزْرَعَةِ.

– بله و شما اهل کجا هستید؟ – من پاکستانی هستم و اینجا کار می‌کنم. در

میهنم در مزرعه کار می‌کردم.

– أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟ – لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا عِنْدِي فُرْصَةٌ.

– آیا تا حالا موزه را دیده‌ای؟ – نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم. (فرصتی ندارم)

۱- در زبان عربی فصیح چهار حرف گ، چ، پ، ژ وجود ندارد؛ لذا اسم‌هایی مانند پاکستان و پروین را باکستان و بروین

تلفظ می‌کنند و می‌نویسند. حرف «پ» گاهی به «ف» نیز تبدیل شده است؛

مثال: پیروز/ فیروز/ پیل/ فیل / پارس/ فُرس/ تَبُورستان/ طبرستان/ آتورپاتگان/ آذربایجان/ پهلوی: فَهْلَوی، قَبیلی (نام کردهای

ایلام و شرق عراق)/ پسته: فُسْتَق

با توجه به قید زمان «تا حالا» فعل «رَأَيْتَ» در ترجمه فارسی «دیدهای» ترجمه می‌شود. توضیح اینکه در زبان عربی مانند فارسی و انگلیسی فرمول خاصی برای ماضی نقلی وجود ندارد؛ مثلاً كَتَبَ، قَدْ كَتَبَ، هُوَ كَاتِبٌ، كَتَبَ حَتَّى الْآنَ را «نوشته است» ترجمه می‌کنیم.

– لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟! – لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ.

– چرا به آنجا رفته‌ای؟ – زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنم.

– عَفْواً كَمْ السَّاعَةُ؟ – الْعَاشِرَةُ تَمَاماً.

– ببخشید. ساعت چند است؟ – ده تمام.

– تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ نَرْجِعُ مَعَا؛ – همراه ما بیا. سپس باهم برمی‌گردیم.

– هَلْ تَقْبَلُ؟ – لا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلاً.

– آیا می‌پذیری؟ (قبول می‌کنی؟) – نه؛ نمی‌توانم. بسیار سپاسگزارم.

جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ: گفت و گویی میان زائر و راهنمای موزه

– مَاذَا فِي هَذَا الْمُتَحَفِّ؟ – الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

– در این موزه چه چیزی هست؟ – آثار تاریخی حرمین شریفین. (دو حرم شریف)

– مَا ذَلِكَ الْعَمُودُ؟ – الْعَمُودُ الْخَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.

– آن ستون چیست؟ – ستون چوبی کعبه.

– وَ مَا هَذِهِ الْأَثَارُ؟ – بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛

– و این آثار چیست؟ – در منبر قدیمی مسجد نبوی؛

توجه: در ترکیب‌هایی مانند «بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ» نیازی به ترجمه حرف

جَرَّ نیست؛ مثال‌های مشابه عبارت‌اند از:

الرَّسَالَةُ الْمُهَمَّةُ لِلرَّئِيسِ: نامه مهم رئیس‌جمهوریه الاسلامیه فی ایران: جمهوری اسلامی ایران

أَثَارُ بَنِي زَمَرْمَ: صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ الْبَقِيعِ؛ وَ أَثَارُ جَمِيلَةٌ أُخْرَى.

آثار چاه زمزم؛ عکس‌های دو حرم و مقبره (قبرستان) بقیع؛ و آثار زیبای دیگری.

– أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. – لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.

– به‌خاطر توضیحات سودمندتان (مفید شما) سپاسگزارم. – وظیفه بود، تشکر لازم نیست.



در اینجا خوب است که اشاره‌ای به آموخته‌های صفحه کتاب عربی هفتم شود؛ در این صفحه آمده بود که:

- | | |
|--|---|
| – لا؛ ما رَأَيْتُهُ. ما عِنْدِي فُرْصَةٌ. | – أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَّ حَتَّى الْآنَ؟ |
| – نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم. | – آیا موزه را تا حالا دیده‌ای؟ |
| – لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ. | – لِماذا ما ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟! |
| – چون من از صبح تا شب کار می‌کنم. | – چرا به آنجا نرفته‌ای؟ |
| – الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ. | – ماذا في هَذَا الْمُتَحَفِّ؟ |
| – آثار تاریخی حرمین شریفین. (دو حرم شریف) | – چه چیزی در این موزه هست؟ |
| – بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛ | – وَ ما هَذِهِ الْأَثَارُ؟ |
| – در قدیمی مسجد نبوی. | – و این آثار چیست؟ |
| – لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ. | – أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. |

– از توضیحات مفید (سودمند) شما متشکرم. – وظیفه بود، تشکر لازم نیست.
 فعل‌هایی مانند شَكَرَ و سَأَلَ و عَبَّرَ در ترجمه فارسی همراه با حرف اضافه می‌آیند؛ مثال:
 شَكَرَهُ: از او تشکر کرد / سَأَلَهُ: از او پرسید / عَبَّرَهُ: از آن عبور کرد
 برخی اشتباهی در ترجمه این فعل‌ها حرف جرّ «مِنْ» می‌آورند که نادرست و تحت تأثیر فارسی
 است؛ مثال: (شَكَرَ مِنْهُ، سَأَلَ مِنْهُ و عَبَّرَ مِنْهُ) هر سه غلط هستند.

آموزش تصویری قواعد «کلیدواژه تصویری»

قواعد درس هشتم درباره معادل ماضی استمراری در زبان عربی است. تذکر مهم این است که در زبان عربی چنین اصطلاحی وجود ندارد؛ اصطلاح ماضی استمراری در فارسی معادل Past continuous در انگلیسی است و در عربی به کار نمی‌رود و برای فهم بهتر زبان عربی به عنوان معادل سازی توضیح داده می‌شود. حتی اصطلاح ماضی بسیط نیز وجود ندارد. در زبان عربی فعل سه نوع است: ماضی، مضارع و امر.

فعل نهی فعل مضارع مجزوم است، فعل مستقبل نیز همان مضارع است که با افزودن یکی از دو حرف سَ یا سوف بر آینده دلالت می‌کند.

ماضی استمراری: نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛ مثال:
 می‌نوشت، می‌گفت. ترجمه فعل «ماضی ملموس یا در جریان» مانند «داشت می‌رفت» با فعل

«می‌رفت» یکی است.

كَانَ يَذْهَبُ: داشت می‌رفت، می‌رفت

توجه کنیم که از چنین تعریبی بهتر است خودداری کنیم: عَلِيٌّ كَانَ يَذْهَبُ. بهتر است بگوییم

كَانَ عَلِيٌّ يَذْهَبُ.

در ارزشیابی از طرح سؤالی که حرف الف در فعل كَانَ حذف می‌شود؛ مانند: «كُنَّ يَسْمَعْنَ»

هیچ سؤالی طرح نشود؛ زیرا در هیچ یک از سه کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم فعل معتل،

مضعف یا مهموز آموزش داده نشده است.

فَنّ ترجمه

آنچه را دانش‌آموز در بخش «کلیدواژه تصویری» آموخته است، در بخش «فَنّ ترجمه» به صورت

کوتاه، مختصر و مفید می‌خواند. یادگیری این بحث همانند سایر مباحث کتاب تنها با تکرار و تمرین

حاصل می‌شود.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین تقویت توانایی درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر

جمله را بخواند و ترجمه کند. حل همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلم فقط نظارت

می‌کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید با توجه به متن درس درستی یا

نادرستی عبارت‌ها را معلوم کند.

طراحی این تمرین عمداً ساده صورت گرفته است، شایسته است در امتحان نیز این تسهیل

صورت بگیرد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت روان‌خوانی و ترجمه است. تصویر علاوه بر تلطیف کتاب

یاری‌رسان دانش‌آموز در ترجمه عبارت‌هاست. هدف اصلی این تمرین ترجمه معادل فعل ماضی

استمراری در زبان عربی است. باید بدانیم که همیشه معادل ماضی استمراری در عربی این‌گونه

نیست؛ مثال:

رَأَيْتُ رَجُلًا يَرْكُضُ؛ یعنی: مردی را دیدم که می‌دوید.

تمرین سوم: هدف واژه‌شناسی است. هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می‌شود،

خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛

برای اینکه دانش‌آموز بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. این تمرین در امتحانات نیز بسیار مناسب است.

تمرین چهارم: هدف تقویت قدرت ترجمهٔ افعال ماضی، مضارع و معادل ماضی استمراری در فارسی است. این تمرین برای تقویت شناخت و ترجمهٔ فعل طراحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمهٔ فعل در داخل جمله خواسته شود. به منظور تسهیل تمرین یک نمونه برای فراگیر حل شده است.

تمرین پنجم: این تمرین در اصطلاح «جورکردنی» نامیده می‌شود. در تقویت زبانی دانش‌آموز مؤثر است. از نظر یادگیری در سطح بالایی قرار دارد. دانش‌آموز باید بتواند معنای همهٔ کلمات و عبارات را بفهمد تا بتواند ارتباط آنها را با همدیگر دریابد. طرح چنین سوالی در امتحان برای معلم دشوار است، ولی در امتحان برای دانش‌آموز در امتحان لذت‌بخش و ساده است. این سؤال موجب می‌شود تا فرایند یادگیری در ارزشیابی نیز ادامه یابد.

تمرین ششم: این تمرین علاوه بر زیباسازی محیط کتاب درسی و اهداف ثانویه برای آموزش غیر مستقیم مفهوم ترکیب اضافی و وصفی طراحی شده است. معلم می‌تواند در اینجا از دانش‌آموز بخواهد تا نوع ترکیب را در شش مثال این تمرین تشخیص دهند، اما تشخیص نوع ترکیب از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تأثیر چندانی در فهم متن ندارد. لازم است معلم راجع به تصاویر اطلاعاتی داشته باشد، تا اگر دانش‌آموز پرسید بتواند پاسخ دهد.^۱

۱- سازه‌های آبی تاریخی شوشتر مجموعه‌ای به هم پیوسته از پل‌ها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و تونل‌های بزرگ هدایت آب هستند که در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند و در دوران هخامنشیان تا ساسانیان، جهت بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شده‌اند. این سازه‌ها با عنوان نظام آبی تاریخی شوشتر در فهرست میراث جهانی یونسکو با شمارهٔ ۱۳۱۵ به ثبت رسید. یکی از سفرنامه‌نویسان نامدار که از شگفتی‌های شوشتر ستایش کرده است، ابن بطوطه است او در این شهر با علمایی ملاقات نموده که از دانش آنها شگفت‌زده شده است، او از شوشتر با نام معرب توستر یا تستر نام برده است. او همچنین از عظمت پل‌های شوشتر نام برده است.

پل گاومیشان یک پل باستانی مربوط به دورهٔ ساسانیان است که در فاصلهٔ ۳۰ کیلومتری پلدختر در مرز بین دو استان لرستان و ایلام و نزدیک دره شهر بر روی رودخانهٔ سیمیره واقع شده است. بیشتر سازهٔ این پل در استان لرستان قرار داد، اما این اثر به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران در محدودهٔ استان ایلام، به ثبت رسیده است. طول پل حدود ۱۷۵ متر و عرض گذر سطح پل نزدیک به ۸ متر و ۲۰ سانتی‌متر است و در حال حاضر شش چشمه طاق دارد. دهانهٔ پل گاومیشان با بیش از ۵۰ متر عرض بزرگ‌ترین دهانهٔ پل ایران است. یکی از این دهانه‌ها بعد از عقب‌نشینی سپاه ایران در جریان حملهٔ اعراب به ایران تخریب شد. پل تاریخی گاومیشان یکی از حیرت‌انگیزترین پل‌های تاریخی غرب کشور است.

به نظر می‌رسد نام گاومیشان جمع گاومیش باشد، ولی به احتمال قوی از نام گاماسیاب برگرفته شده است که آن هم نام رودی در غرب ایران است. (گا: گاو+ ماسی: ماهی+آب) رودی که ماهیانی به بزرگی گاو دارد؛ یعنی دارای ماهی‌های بزرگ.

←

تمرین هفتم: حلّ جدول مورد علاقه بزرگ و کوچک است؛ لذا یک درس در میان جدول کلمات متقاطع تنظیم شده است. رمز جدول «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» از پیامبر اسلام ﷺ است. ترجمه حدیث این است: سرور قوم در سفر خدمتگزار آنان است. معمولاً «فِي السَّفَرِ» در این حدیث ذکر نمی‌شود.

کنز الحکمة

احادیث برگزیده دقیقاً مطابق با واژگان و ساختار خوانده شده است. دانش‌آموز با ترجمه احادیث احساس شادی و اعتماد می‌کند. او به تدریج حس می‌کند با خواندن درس عربی می‌تواند با قرآن و متون دینی انس بیشتری بگیرد. این بخش از درس به او می‌فهماند که یکی از اهداف اصلی آموزش عربی آشنایی با سخنان گهربار بزرگان دین است.

هماهنگی در ترجمه احادیث بخش کنز الحکمة

- ۱- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.» محبوب‌ترین کارها (اعمال) نزد خدا پس از واجبات دینی، داخل کردن شادی بر مسلمان است. (شاد کردن مسلمان است).
- ۲- «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي؛» محبوب‌ترین خوراک نزد خدا آن است که دست‌ها بر آن زیاد باشند. (افراد زیادی بر سر سفره غذا نشسته باشند).
- ۳- «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ؛» محبوب‌ترین خانه‌هایتان نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود. (یتیمی گرامی داشته شده در آن باشد).
- ۴- «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.» محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین‌شان نسبت به بندگانش است. (این حدیث شبیه حدیث «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.» است).

۵- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.»

محبوب‌ترین کارها (اعمال) نزد خداوند نگه داشتن (حفظ) زبان است.

سراب یا چشمه بیستون به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. گردشگاهی پرطرفدار در غرب ایران است که چون کتیبه بیستون نیز همان جاست، لذا گردشگر بسیار دارد. این سراب در سی کیلومتری شمال شرقی کرمانشاه و در دامنه کوه بیستون قرار دارد. جنگل‌های استان گلستان نیز هر سال گردشگران بسیاری را به خود جذب می‌کند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- «إِدْخَالَ»، یعنی «داخل کردن» و متضاد آن «إِخْرَاج» است.^۱
- ۲- «إِسْتَعْلَلَ»، یعنی «کار کرد»، «مشغول شد»^۲
- ۳- «بِئْرٌ» به معنای «چاه» و جمع مکسر آن «آبار» است که در گویش عامیانه مفردش «بیر» و جمعش «آبیار» گفته می‌شود؛ مانند مسجد آبیارِ علی در مدینه منوره^۳؛ کلمه بئر، مؤنث معنوی است.^۴
- ۴- «تَعَالَ» فعل امر به معنای «بیا» است. فعل‌های «أَتَى، يَأْتِي» و «جَاءَ، يَجِيءُ» به معنای

۱- إِدْخَالَ: (اسم) مصدر أَدْخَلَ يَدْخُلُ، إِدْخَالًا، و اسم فاعله مُدْخِلٌ، و اسم مفعوله مُدْخَلٌ

أَدْخَلَ الْمَكَانَ وَغَيْرَهُ / أَدْخَلَهُ فِي الْمَكَانِ وَغَيْرِهِ: صَيَّرَهُ دَاخِلًا، سَمَحَ لَهُ بِالذَّخُولِ،

أَدْخَلَ يَدَّهُ فِي الْحَقِيْبَةِ: أَوْلَجَهَا بِدَاخِلِهَا

أَدْخَلَ السُّرُورَ إِلَى نَفْسِهِ: جَعَلَ نَفْسَهُ مَسْرُورَةً

أَدْخَلَ تَعْدِيلاً عَلَى شَيْءٍ / أَدْخَلَ تَغْيِيرًا عَلَى شَيْءٍ: أَجْرَاهُ، أَحْدَثَهُ.

أَدْخَلَ الْبَيَانَاتِ فِي الْحَاسُوبِ: حَزَنَهَا لِلِاسْتِفَادَةِ مِنْهَا.

۲- اسْتَعْلَلَ: (فعل) اسْتَعْلَلَ ب- / اسْتَعْلَلَ عَن / اسْتَعْلَلَ فِي اسْتَعْلَلَ، اسْتَعْلَالًا و اسم فاعله مُسْتَعْلِلٌ و اسم مفعوله مُسْتَعْلَلٌ بِهِ

اسْتَعْلَلَتِ الْآلَاتُ: دَارَتْ، عَمَلَتْ

اسْتَعْلَلَ الدَّوَاءُ: أَدَّى مَفْعُولَهُ، نَجَحَ

اسْتَعْلَلَ قَلْبُهُ هَمًّا وَ حُزْنًا: اضْطَرَبَ، تَشَوَّشَ

اسْتَعْلَلَ عَنْهُ: تَلَهَّى عَنْهُ بِغَيْرِهِ

اسْتَعْلَلَ فِيهِ السُّمُّ: جَرَى

اسْتَعْلَلَ قَلْبُهُ: تَشَوَّشَتْ أَفْكَارُهُ

اسْتَعْلَلَ بِكَذَا: عَمِلَ بِهِ، زَاوَلَ مِهْنَةً أَوْ صِنْعَةً

۳- يقع مسجد ذي الحليفة (أبيار علي) على الجانب الغربي من وادي العقيق المبارك في المنطقة المعروفة باسم "أبيار علي"

و يطلق عليه البعض مسمى مسجد أبيار علي أو آبار علي. و يبعد عن المسجد النبوي قرابة أربعة عشر كيلومترا.

۴- بئر: (اسم) الجمع: أَبْوَارٌ و أَبَارٌ و بئَارٌ، وَ قَدْ تَقَدَّمَتِ الْهَمْزَةُ عَلَى الْبَاءِ (أَبْأَر ← أَبَار) فَأَصْبَحَتْ أَبَار.

البئر: حفرة عميقة، يُسْتَخْرَجُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ وَ غَيْرِهِمَا.

«آمد، می‌آید» هستند؛ ولی فعل امر از آنها کاربرد ندارد.^۱

۵- «تَفَضَّلَ» معادل «بفرما» در فارسی است.^۲

۶- «ثَلَاثُونَ» یا «ثَلَاثِينَ» در گویش عامیانه به صورت «ثلاثین» به کار می‌رود؛ در گویش شامی و برخی گویش‌های دیگر «ثلاثین» گفته می‌شود؛ تلفظ «ث» در برخی گویش‌ها به «ت» تبدیل می‌شود.

۷- «دکیل» به معنای «راهنما» است؛ مانند «دلیل سَفَر» به معنای «راهنمای سفر».^۳

۸- «ریال» کلمه‌ای به زبان اسپانیایی و پرتغالی (real) است که وارد فارسی و عربی شده است. ریال به معنای «شاهی» است، نام سکه نقره رایج در آن دو کشور و سرزمین‌های وابسته به آنها بود. ریال از زمان حضور اسپانیاییان و پرتغالیان در خلیج فارس وارد دو زبان فارسی و عربی شده است. ریال از واژه لاتینی «رِگالیس» (regalis) به معنای «شاهنشاهی» می‌آید که صفتی از اسم «رکس» (rex) به معنای «شاه» است. واژه انگلیسی «رویال» (royal) هم‌ریشه با «real» اسپانیایی و پرتغالی است.

سکه نقره با نام ریال در اسپانیا از سال ۱۴۹۷ تا ۱۸۷۰ میلادی ضرب می‌شد. ریال همچنین واحد پول بسیاری از مستعمره‌های اسپانیا بود؛ به عنوان مثال، واحد پول برزیل، «رنال» نام دارد.

۹- «سِیَّارَة» به معنای «خودرو» است. در گویش عامیانه سوریه به «خودرو»، «عَرَبِيَّة» نیز

۱- تَعَالَى: (فعل) اسم فعل أمر للمذكر بمعنى أَقْبِلْ، هَلِّمْ، وَتَّصَلْ بِهِ الصَّمَاثِرُ فَيَبْقَى عَلَى فَتْحِهِ؛ تَعَالَى لِلْمَوْثُوتِ وَتَعَالَى لِلْمُنْتَهَى وَتَعَالَوْا لِلْجَمْعِ الْمَذْكَرِ وَتَعَالَيْنِ لِلْجَمْعِ الْمَوْثُوتِ، وَرَبَّمَا تَضَمَّ اللَّامَ مَعَ جَمْعِ الْمَذْكَرِ وَتَكْسَرَ مَعَ الْمَوْثُوتِ (تَعَالَوْا وَتَعَالَيْنِ) تَعَالَى فِي أَيِّ وَقْتٍ يُعْجَبُكَ: أَحْضَرُ

۲- تَفَضَّلَ: (فعل) تَفَضَّلَ عَلَى يَتَفَضَّلُ، تَفَضُّلاً، وَاسْمُ فَاعِلِهِ مُتَفَضِّلٌ، وَاسْمُ مَفْعُولِهِ مُتَفَضَّلٌ عَلَيْهِ

تَفَضَّلَ عَلَى غَيْرِهِ: تَبَيَّنَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فِي الْقَدْرِ وَالْمَنْزِلَةِ

تَفَضَّلَ عَلَيْهِ مِمَّا يَمْلِكُ: أَنَالَهُ مِنْ فَضْلِهِ

تَفَضَّلَ عَلَيْهِ: إِدْعَى الْفَضْلَ عَلَيْهِ

وَ تَفَضَّلُوا بِقَبُولِ بَالِغِ الْاحْتِرَامِ / وَ تَفَضَّلُوا بِقَبُولِ فَائِقِ الْاحْتِرَامِ: عِبَارَةٌ تُذَيِّلُ بِهَا الرُّسَائِلَ

تَفَضَّلَ: (اسم) مصدر تَفَضَّلَ

رَغَبَ فِي التَّفَضُّلِ عَلَيْهِ: إِعْطَاؤُهُ، إِنَالَتُهُ شَيْئًا مِنْ فَضْلِهِ

دَعَاهُ إِلَى التَّفَضُّلِ: دَعَاهُ لِلْجُلُوسِ أَوْ تَنَاوُلِ شَيْءٍ عَلَى سَبِيلِ التَّجَمُّلِ

۳- دَلِيلٌ: (اسم) الجمع: أدلاء و أدلة و دلائل

الدَّلِيلُ: المرشد و الجمع: أدلة و أدلاء

الدَّلِيلُ: مَا يُسْتَدَلُّ بِهِ، بَرهَانٌ، بَيِّنَةٌ، حُجَّةٌ، شَاهِدٌ، عِلْمَةٌ

الدَّلِيلُ: كِتَابٌ يَدُلُّ الْقَارِئَ وَ يُرْشِدُهُ إِلَى مَعْلُومَاتٍ خَاصَّةٍ بِمَوْضُوعٍ مَا، دَلِيلُ الْفَنَادِقِ أَوْ الْمَطْبُوعَاتِ أَوْ الْجَمَاعَاتِ أَوْ الْهَاتِفِ

گفته می‌شود که برگرفته از «ارابه» و ریشه فارسی دارد.^۱

۱۰- «لَا بَأْسَ» اصطلاحی معادل «اشکالی ندارد.» است. در گویش سعودی «ما فی مُشْکَلَة» گفته می‌شود که در اصل «ما فیهِ مُشْکَلَة» بوده است و در گویش عراقی «مَیْخَالِفُ» (ما یُخَالِفُ) گفته می‌شود. خود کلمه «بَأْسَ» به معنای «نیرو، شجاعت، شکنجه و...» است.^۲

۱۱- «مُتَحَف» که در تداول گاهی «مُتَحَف» گفته می‌شود، نیز به معنای موزه است.^۳

۱۲- «نُقُود» جمع «نَقْد» و به معنای «پول» یا «پول‌ها» است. در گویش عراقی و سعودی به جای آن «فُلُوس» و در گویش شامی «مَصَارِی» گفته می‌شود.^۴

۱- سَيَّارَة: (اسم) الجمع: سَيَّارات
السَّيَّارَة: القافلة ﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَة فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ﴾ يوسف: ۱۹
السَّيَّارَة: مَرْكَبَة آلیَّة تَسِيرُ بِمَحْرَكٍ مُخْرِقٍ لِلْبَنَزِينَ تُسْتَعْدَمُ لِلرُّكُوبِ وَ النُّقْلِ
سَيَّارَة أُجْرَة: تاکسی، سیاره لنقل الناس مقابل أُجْرَة،
سَيَّارَة إِسعاف: سَيَّارَة مُعَدَّة طَبِیًّا لِنَقْلِ الْمَرْضَى إِلَى الْمُسْتَشْفَى،
سَيَّارَة إِصلاح: سیاره تصليح في الطريق يُمكنها عند الحاجة أَنْ تَرْفَعَ عَطَلَ السَّيَّارات.
سَيَّارَة دَوْرِيَّة: سیاره يطوف بها رجال الأمن ليلاً،
سَيَّارَة رُكَّاب: سیاره تُستعمل لنقل النَّاسِ،
سَيَّارَة شُحْن: سیاره تُستعمل لنقل البضائع وتسمى شاحنة،
سَيَّارَة مَصْفَحَة: سَيَّارَة حربيَّة مكسوَّة بصفائح من الفولاذ تكون دِرْعًا لها، و تحفظها من قذائف العدو، و سُحِّلَتْ بِمدافع
دبابة.

۲- لَا بَأْسَ عَلَيَّكَ: لَا خَوْفَ عَلَيَّكَ (باکی بر تو نیست.) / لَا بَأْسَ فِيهِ: سختی و دشواری در آن نیست. / لَا بَأْسَ مِنْهُ: مانعی از آن نیست. / لَا بَأْسَ بِهِ: خواری و نقصانی در آن نیست؛ عیبی ندارد.

مصدرٌ مِنْ بَأْسٍ وَ بَيْسٍ، رَجُلٌ ذُو بَأْسٍ: قوی شديدي، شديد البأس: شجاع
۳- مَتَحَف: (اسم) الجمع: مَتاحِفُ (مَتَحَفٌ أَوْ مَتَحَفٌ)

الْمَتَحَفُ: موضع التُّحَفِ الفُنِّيَّةِ أَوْ الأَثَرِيَّةِ وَ الجمع: مَتاحِفُ
مَتَحَفِ السَّمْعِ: موضع يضمُّ تَمائيلَ من شمع لشخصيات ذات شهرة عالميَّة

۴- الْفُلُوسُ عملة نقدية عربية مُستعملة في الأردن و الإمارات و البحرين و العراق و الكويت و اليمن و يختلف سعرها بحسب البلد.

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بداند؛
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛^۱
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهد کند؛
- ۵- ساعت‌های کامل، یک ربع مانده به ... و ربع، ... و نیم را بگوید.

فرایند آموزش

متن درس شامل سه قسمت است که هر سه قسمت بهداشتی هستند. دانش‌آموز علاوه بر اینکه واژه‌های جدیدی می‌آموزد و مهارت شنیداری و خوانداری او تقویت می‌شود، چند مطلب علمی نیز یاد می‌گیرد. این امر موجب افزایش علاقه او به کتاب درسی عربی می‌شود.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ : مَتَنَ هَایِی دَرِبَارَهُ بَهْدَاثَت

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَطْنُونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَط. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: «هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

بهترین رنگ‌ها: برخی از مردم گمان می‌کنند که رنگ‌ها فقط (تنها) برای رنگ‌آمیزی یا نقاشی کردن یا تزئین (زینت دادن) هستند. ولی آیا روزی از خودمان پرسیده‌ایم: «آیا درمان بیماری‌ها با رنگ‌ها ممکن است؟ (امکان دارد؟) تأثیر رنگ‌های مختلف (گوناگون) چیست؟»

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

برخی از دانشمندان معتقدند (عقیده دارند، اعتقاد دارند، بر این باورند) که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. قطعاً محبوب‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ‌های طبیعی‌ای است که شب و روز در

۱- پیام درس درباره مسائل بهداشتی است. اهمیت چنین متونی بر هیچکس پوشیده نیست.

اطراف (پیرامون) خودمان می بینیم که عبارت اند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی سپس رنگ زرد، مانند رنگ بعضی برگ های پاییز.

أَمَّا النَّوْرُ الْأَحْمَرُ فَتَشْعُرُ بِالْتَّعَبِ عِنْدَمَا تَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَحْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كَالْإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛ أَمَّا عَرَفُ النَّوْمِ فَلِأَفْضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.

اما رنگ سرخ، وقتی به آن نگاه می کنیم احساس خستگی می کنیم؛ زیرا (برای اینکه) اعصاب را تحریک می کند. در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی در جاهایی (اماکنی) که نیاز به توجه دارد، مانند علامت های راهنمایی و رانندگی آن را به کار می گیرد؛ اما اتاق های خواب بهتر است که در آن رنگ های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

ویتامین «ا» (A): مِنْ فَوَائِدِ فَيْتَامِينِ «ا» زِيَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا الْفَيْتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَالْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَالْجَزْرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتُقَالِ.

ویتامین آ: از فواید (سودهای) ویتامین آ افزایش وزن کودکان است. این ویتامین برای چشم مفید (سودمند) است و خلبان ها در جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه می خوردند (تناول می کردند) و این ویتامین در گیاهان و میوه های به رنگ زرد مانند زردآلو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

ویتامین «سی» (C): يَوْجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ وَلَكِنَّهُ لَا يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمَجْفَفِ وَالْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ صَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ يُمَكِّنُ تَعْوِضُ هَذَا النَّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ.

ویتامین ث: این ویتامین در شیر تازه وجود دارد (یافت می شود)، ولی در شیر خشک وجود ندارد (یافت نمی شود) و کودکانی که تنها آن را می خوردند بیشتر اوقات برایشان ناتوانی (ضعف) ساق ها پیش می آید و این کمبود (نقص) در تغذیه (خوراک) با خوردن آب لیمو یا آب پرتقال جبران می شود. پس از پایان متن، درک مطلب تنظیم شده است که پاسخ آنها به ترتیب ص، غ، غ، ص است. این تمرین موجب تقویت قوه درک و فهم متن می شود.

آموزش تصویری قواعد (کلیدواژه تصویری)

معلم از یکی از دانش آموزان می خواهد تا این بخش را بخواند و یافته های خود را در مورد ساعت خوانی برای دوستانش توضیح دهد.

ساعت خوانی عربی تا اندازه‌ای شبیه فارسی است. برای ساعت خوانی سه حالت وجود دارد:
کامل، مانده به ...، گذشته از ...

۱- ساعت کامل: مثال: الْوَاحِدَةُ تَمَاماً / الثَّانِيَةُ تَمَاماً ..

۲- ساعت کامل به اضافه نیم و ربع: مثال: الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ ..

۳- یک ربع مانده به ساعت کامل: مثال: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً / الثَّمَانِيَةُ إِلَّا رُبْعاً ..

در عربی عامیانه ساعت خوانی با عددهای ترتیبی گفته می‌شود؛ مثلاً «ساعت پنج» را در عربی فصیح «الْخَامِسَةُ» و در عامیانه «خَمْسَه» می‌گویند. ^۱ ساعت را در زبان عربی فصیح بر وزن «الْفَاعِلَةُ» می‌گویند.

همچنین خوب است معلّم بداند که «بیست دقیقه به پنج» را «الْخَامِسَةُ إِلَّا ثَلَاثًا» می‌گویند. هرچند «الْخَامِسَةُ إِلَّا عِشْرِينَ دَقِيقَةً» غلط نیست.

آموزش عدد معطوف از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تجربه نشان می‌دهد یادگیری آن دشواری‌هایی دارد؛ مثال: چهار و بیست و پنج دقیقه؛ زیرا در زبان عربی ابتدا یکان سپس دهگان گفته می‌شود؛
مثال:

الرَّابِعَةُ وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ دَقِيقَةً

تمرین‌ها

در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم قرائت، ترجمه و حلّ تمرین‌ها برعهده دانش‌آموز است و معلّم، تنها نقش راهنما دارد. همواره تمرین سخت برای دانش‌آموز تواناتر و تمرین آسان برای دانش‌آموز دیرآموز یا کم‌توان در نظر گرفته می‌شود. ارزشیابی و تمرین ادامه یادگیری است.

هدف این است که در خلال تمرین آموخته‌ها ملکه ذهن شود. از دیرباز گفته‌اند:

«الدَّرْسُ حَرْفٌ، وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ.»

تمرین اول: هدف این تمرین همچنان تقویت توانایی درک مطلب است. از دانش‌آموز

۱- عددهای یک تا بیست و یک در عربی عامیانه تقریباً به این شکل تلفّظ می‌کند:

واحد، اثنین، ثلاثه (اتلاثه، ثلاثه)، اربعه، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية (ثمانیه، ثمانی)، تسعة، عشرة، احدعش (دعش)، اثنعش (اتنسعش)، ثلثعش (تلطعش)، اربطعش، خمسطعش (مسطعش)، سبطعش (سطعش)، اسبطعش (اسبطعش)، ثمنطعش، تسطعش، واحد عشرين

می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. سپس از متن درس پاسخ مناسب را پیدا کند. پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ، غَارَةٌ لَيْلِيَّةٌ يَا غَارَاتُ لَيْلِيَّةً، طَارِحٌ، طَيَّارٌ، عَصِيرٌ

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. تصویر، علاوه بر زیباسازی کتاب نقش آسان‌سازی نیز دارد. در این تمرین آموخته‌های کتاب هفتم و هشتم بازآموزی می‌گردد.

تمرین سوم: هدف باز هم تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند به کلمه پرسشی «مَتَى» که در عربی هشتم آموخته است پاسخ دهد. به منظور تسهیل یادگیری پاسخ‌ها در تمرین گنجانده شده است.

تمرین چهارم: هدف تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است. دانش‌آموز باید معنای هر جمله را بداند تا بتواند در جای خالی گزینه مناسب قرار دهد. پاسخ‌ها عبارت‌اند از: مُهَدَّنَةٌ، إِشْرَبُ، التَّعَبُ، الْجَزْرُ، الْمِشْمِشُ.

تمرین پنجم: این تمرین در اصطلاح، جورکردنی نامیده می‌شود. تمرین به صورت مبتدا و خبر طراحی شده است.

۱- النَّهَارُ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ؛ روز میان بامداد و شب است.

۲- الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ؛ موزه جایی برای نگهداشتن آثار تاریخی است.

۳- التَّلْوِينُ إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ؛ «رنگ آمیزی» رنگ‌بخشیدن به چیزی است.

۴- الدَّلِيلُ (گزینه اضافی است).

۵- الطَّارِحُ صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ؛ تازه صفت خوبی برای شیر و میوه است.

۶- الرَّسْمُ قُدْرَةٌ عَرِضُ الْأَشْيَاءِ بِالْحُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ؛ نقاشی کردن قدرت نمایش چیزها با خطوط

و رنگ‌هاست.

۷- الْأَزْرَقُ لَوْنٌ يَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ؛ آبی رنگی است که در آسمان صاف ظاهر می‌شود.

تمرین ششم: هدف این تمرین نیز مانند تمرین‌های قبلی تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز

است.

متضادها: اسْتَلَمَ دَفَعَ / تَعَالَ إِذْهَبَ / حَرَبَ صُلِحَ / مَوْتَ حَيَاةَ / قَلَّ كَثُرَ / قُبِحَ

حُسْنٌ

مترادف‌ها: سَتَرَ كَتَمَ / وَرَعَ تَقَوَّى / تَنَاوَلَ أَكَلَ / أَحْسَنَ أَفْضَلَ / بَعَثَتْهُ فَجَأَةً / إِشَارَاتٌ

عَلَامَاتٌ



اکنون که در درس نهم هستیم متن برگزیده در «کنز الحکمة» طولانی تر شده است. متن نخست به صورت غیر مستقیم دانش آموزان دختر را ترغیب به حجاب و عفاف می کند؛ زیرا در انتهای روایت شرم را نیکو و در زنان نیکوتر برشمرده است.

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱- أَلْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ،
الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ^۱
وَلَكِنَّ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

عدالت (دادگری) نیکو (خوب) است، ولی در فرماندهان نیکوتر است، و بخشندگی (سخاوت) نیکوست، ولی در ثروتمندان نیکوتر است، پارسایی نیکوست، ولی در دانشمندان نیکوتر است، صبر (شکیبایی) نیکوست، ولی در فقیران نیکوتر است، توبه نیکوست، ولی در جوانان نیکوتر است، شرم (حیا) نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است.

۲- مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ، وَ مَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

هرکس سخنش زیاد شود، خطایش زیاد می شود و هرکس خطایش زیاد شود، شرمش (حیایش) کم می شود و هرکس شرمش کم شود، پارسایی اش کم و هرکس پارسایی اش کم شود، دلش (قلبش) می میرد و هرکس قلبش می میرد وارد جهنم می شود.

توضیح اینکه ترجمه فعل های ماضی توسط دانش آموز به صورت گذشته اشکالی ندارد.

تحقیق

دانش آموز پایه نهم باید شیوه درست جست و جو در اینترنت را بلد باشد. معلّم لازم است که او را در این زمینه راهنمایی کند.

۱- در این روایت به جای «التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ.» آمده است «التَّوْبَةُ حَسَنٌ.» شاید سؤال شود چرا خبر به صورت «حَسَنَةٌ» نیامده است؟ توجیه این است که «التَّوْبَةُ عَمَلٌ حَسَنٌ.» در اینجا کلمه «عَمَلٌ» حذف شده است.

دانش‌افزایی برای دیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱- «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفْعَلُ» اسم تفضیل و غیر منصرف است.
گاهی أَحْسَن به معنای زیاتر صفت مشبّه می‌شود، در این صورت مؤنث آن حَسْنَا است که البته باز هم غیر منصرف است.
الجمع: أَحْسِنُ / الْمُؤنث: حُسْنَى و حُسْنِيَّاتٌ.
مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ: مِنْ خَيْرَتِهِمْ
- ۲- «بَنْفَسَجِيٌّ»، یعنی «بنفش» و فارسی معرّب است.
نام بسیاری از گلها در عربی ریشه فارسی دارد؛ مثال بیشتر:
نَرَجِس، سَوَسَن، مَرزَنجوش، یاسَمَن، وَرْد، بابونج...
۳- «تَعَبٌ»، یعنی «خستگی» جمع آن «أَنْعَابٌ» و مصدر از «تَعَبٌ» و مترادفش مشقّة و عناء و متضادش راحة است.
- ۴- «تَعْوِيضٌ» در فارسی و عربی به دو معنای متفاوت است. در فارسی به معنای «عوض کردن» و در عربی «تاوان دادن»، «بازخرید»، «پاداش بازنشستگی» و «جبران کردن» است. جمع آن تعویضات است.
تعویض الوفاة: هو إعطاء مال التّأمين لِأهلِ الْمُتَوَفَّى
معادل اصطلاح اداری «بازخرید» و «پاداش» در زبان عربی: ما يُدْفَع لِلْمَوْظَفِ أَوْ الْعَامِلِ عِنْدَ انصرافه مِنَ الخدمَةِ لِبُلُوغِهِ سِنِّ التّقاعِدِ، أَوْ عِنْدَ تَرْكِهِ لِلْعَمَلِ
تعویضات حربیّة: غرامت‌های جنگ، مَدفوعات و غَرَامات تَفْرِضُهَا الدَّوْلُ الْمُنتَصِرَةُ عَلَى الْمُنْهَزِمَةِ
كَغَرَامَةِ حَرَبِيَّةٍ لِاسْتِرْطَامِ الخَسَائِرِ الَّتِي لَحِقَتْ بِهَا مِنْ جَرَاءِ الحَرْبِ، وَ يُنشَأُ لِذَلِكَ لِجَانِ مُحدّدة.
۵- «تَنَاوَلَ» در کتاب درسی به معنای «خورد» و مترادف «أَكَلَ» آمده است.
ولی کاربردهای دیگری نیز در عربی دارد؛ مثال:
تَنَاوَلَ طَعَامَ العَدَاءِ: ناهار خورد.
تَنَاوَلَ حَاجِيَاتِهِ مِنَ التَّعَاوُنِيَّةِ: نیازهایش را از تعاونی گرفت.
تَنَاوَلَ جُرْعَةً مِنَ الدَّوَاءِ: جرعه‌ای از دارو نوشید.
تَنَاوَلَ الشَّيْءَ: آن را گرفت.
تَنَاوَلَهُ بِلِسَانِهِ: او را دشنام داد.
- ۶- «جَزَرَ» ریشه فارسی دارد. اصل آن «گَزَرَ» است. مانند «گوز» که «جوز» شده «گَزَرَ» نیز «جَزَرَ» شده است.

۷- «حَلِيب» به معنای «شیر» است که در گذشته به جای آن «لَبَن» گفته می‌شد. امروزه «لَبَن» به معنای «ماست» یا «دوغ» شده است، ولی در متون قدیم «لَبَن» به معنای «شیر» بوده است.

در عربستان سعودی «زُبَادِي» و در عراق «رَوْبَة» به معنای «ماست» است. واژه «أَلْبَان» در عربی معادل «لَبَنِيَّات» جمع «لَبَن» است.

مولوی شاعر گرانقدر ایرانی می‌فرماید:

تا نگرید ابر کی خندد چمن تا نگرید طفل کی نوشد لبن

۸- «حَطَأً» در فارسی «حَطَأ» تلفظ می‌شود؛ مانند: سَبَأً و مُبْتَدَأً که سَبَا و مبتدا گفته می‌شود.

۹- «سَمَاوِيّ» به معنای آسمانی از «سَمَاء» گرفته شده است. اَزْرَق سَمَاوِيّ، یعنی آبی آسمانی.

۱۰- «طَارَج» یا «طَارِج» از واژه فارسی «تازگ» گرفته شده است. واژه «تازگ» امروزه در

فارسی «تازه» گفته می‌شود.

«بِرنامگ» که در عربی نیز که به «بِرنامَج» تبدیل شده و در فارسی امروز «برنامه» تلفظ می‌شود

مانند همین واژه است. طَارِج صفت برای شیر و نان و مانند آنهاست؛ مانند: حَلِيب طَارِج، حُبْرُ طَارِج

۱۱- حرف «ف» در کلمه فیتامین گاهی به صورت سه نقطه نوشته می‌شود. (فیتامین)

این حرف ویژه واژگان غربی است. مثال بیشتر: کریم دوف، کریم نیفأ، (دو نوع کرم) فیديو

۱۲- پوست میوه و درخت «قَشْر» و پوست انسان و حیوان «جِلْد» و پوست دست و صورت

«بَشْرَة» گفته می‌شود.

۱۳- «لَيْمُون» معرَّب «لیمو» است. لَيْمُون حَامِض: لیمو ترش و لَيْمُون حُلُو: لیمو شیرین است.

۱۴- «مُجَفَّف» یعنی خشک شده و از فعل جَفَّف: خشک کرد، گرفته شده است. (جَفَّف: خشک شد)

ضمناً «مُجَفَّفَات» به معنای «خشکبار» است.

۱۵- «مِشْمِش» یعنی «زردآلو» و «مُشْمِش» نیز تلفظ می‌شود.

۱۶- «مُهْدِيّ» یعنی «آرامبخش» و از «هَدَأ - يُهْدِيّ» گرفته شده است.

کلمه «هادی» به معنای «آرام» نیز از همین ریشه است.

۱۷- «يُوجِد»، یعنی «هست، وجود دارد». «مَوْجِدٌ» نیز به همین معناست.

در گویش عامیانه عراقی «أَكُو» و «ماکو» معادل «يُوجِد» و «لا يُوجِد» است.

در عربستان سعودی نیز «فی» و «مافی» به همین معناست که در اصل «فیه» و «مافیه» است.



اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- ۱۰ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی معنا کند.
- ۲- متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند؛
- ۳- پیام درس را درک کند؛
- ۴- به‌هنگام ضرورت به ضرب‌المثل‌های تمرین دوم درس استشهاد کند.

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیبا و با پیامی عالی است. پیام درس در سخن پیامبر اسلام ﷺ نهفته است. متن درس دعوت به امانتداری می‌کند و حامل این نتیجه اخلاقی است که هرکس امانت‌داری نکند، روزی آبرویش خواهد رفت.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

الْأَمَانَةُ: امانت

أَرَادَ مُسَافِرٌ تَسْلِيمَ نُقُودِهِ إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ. فَذَهَبَ إِلَى قَاضِي بَلَدِهِ وَ قَالَ لَهُ: «إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نُقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً وَ سَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي». فَقَالَ الْقَاضِي: «لَا بَأْسَ، إِجْعَلْ نُقُودَكَ فِي ذَلِكَ الصُّنْدُوقِ.» فَوَضَعَ الرَّجُلُ نُقُودَهُ فِي الصُّنْدُوقِ.

مسافری خواست پولش (پول‌هایش) را به شخص امانتداری بدهد. پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: «من مسافرت خواهم کرد و می‌خواهم پولم را نزد تو به امانت بگذارم و پس از برگشتنم از تو پس خواهم گرفت.» قاضی گفت: «اشکالی ندارد، پولت را در آن صندوق بگذار.» و مرد (آن مرد) پولش (پول‌هایش) را در صندوق (آن صندوق) گذاشت.

وَ لَمَّا رَجَعَ مِنَ السَّفَرِ: ذَهَبَ عِنْدَ الْقَاضِي وَ طَلَبَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ، فَقَالَ الْقَاضِي: «إِنِّي لَا أَعْرِفُكَ.» وَ وَاقْتِي كِهْ از سفر برگشت؛ نزد قاضی رفت و امانت (آن امانت) را از او خواست. (درخواست کرد)، قاضی به او گفت: «من تو را نمی‌شناسم.»

حَزَنَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ إِلَى حَاكِمِ الْمَدِينَةِ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ. فَقَالَ الْحَاكِمُ: «سَيَاتِي الْقَاضِي

۱- پیام درس اهمیت امانتداری است. امانتداری فقط حفظ اشیای مادی و دارای ارزش مالی نیست؛ حفظ یک راز و حفظ

یک سخن نیز یک امانت است؛ مسئولیتی که در جامعه بر عهده می‌گیریم، نیز نوعی امانت است.

إِلَيَّ غَدًا؛ فَادْخُلْ عَلَيْنَا فِي الْمَجْلِسِ وَاطْلُبْ أَمَانَتَكَ مِنْهُ.»

مرد (آن مرد) غمگین شد (ناراحت شد) و به سوی (نزد) حاکم شهر رفت و قضیه را برایش شرح داد. حاکم گفت: «فردا قاضی نزد من خواهد آمد؛ در مجلس پیش ما بیا (بر ما وارد شو) و امانت را از او بخواه.»

وَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِي عِنْدَمَا جَاءَ الْقَاضِي إِلَى الْحَاكِمِ، قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ: «إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْحَجِّ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ أُمُورِ الْبِلَادِ إِلَيْكَ لِأَنِّي مَا رَأَيْتُ مِنْكَ إِلَّا الْأَمَانَةَ.»

و در روز بعد وقتی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: «من در همین ماه (این ماه) به حج سفر خواهم کرد و می‌خواهم امور (کارهای) کشور (سرزمین) را به تو تحویل دهم (بسپارم) چون من از تو جز امانتداری ندیده‌ام.»

وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ دَخَلَ صَاحِبُ الْأَمَانَةِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمَا وَ قَالَ: «أَيُّهَا الْقَاضِي، إِنَّ لِي أَمَانَةً عِنْدَكَ. وَصَعْتُ نُقُودِي عِنْدَكَ.» قَالَ الْقَاضِي: «هَذَا مِفْتَاحُ الصُّنْدُوقِ. اسْتَلِمْ نُقُودَكَ.»

و در این وقت صاحب امانت وارد شد و به آنها (آن دو) سلام کرد و گفت: «ای قاضی، امانتی نزد تو دارم. پولم را نزد تو گذاشته‌ام.» قاضی گفت: «این کلید صندوق است. پولت را تحویل بگیر.»

بَعْدَ يَوْمَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضُوعِ. فَأَجَابَ الْحَاكِمُ: «بِسْ مِنْكَ»

پس از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد. حاکم جواب داد: «اینها قاضی، ما استرجعنا امانته ذلك الرجل إلا بعدما أعطيناك كل البلاد؛ قبأي شيء نسترجع البلاد منك؟! ثم أمر بعزله.»

«ای قاضی، امانت آن مرد را از تو پس نگرفتیم مگر بعد از اینکه همه کشور را به تو دادیم؛ با چه چیزی کشور را از تو پس بگیریم؟!» سپس دستور به برکناری او داد. (دستور داد او را برکنار کنند.) «لا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رسول الله صلى الله عليه وآله.

«به زیادی نمازشان و روزه‌شان و زیادی حج نگاه نکنید... ولی به راستگویی و امانتداریشان نگاه کنید.»

پس از پایان متن درس، پنج سؤال درک مطلب تنظیم شده است که پاسخ آنها به ترتیب عبارت است از:

ص، ص، غ، ص، غ

تمرین‌ها

خواندن، ترجمه و حل تمرینات در هر سه کتاب متوسطه اول بر عهده دانش‌آموز است و معلم راهنما و مصحح است.

تمرین اول: اوج زیبایی در این تمرین به منصفه ظهور رسیده است. مطابق قوانین بالادستی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به درس زبان و ادبیات فارسی است. این تمرین پیوندی هزمندانه میان ادبیات فارسی و عربی برقرار می‌کند. اما همین سؤال بسیار زیبا می‌تواند به یک سؤال بسیار بد تبدیل شود. همکاران، با سؤالات قرابت معنایی در کنکور آشنایی دارند. سؤالاتی بسیار عجیب است که حتی کارشناسان نیز در پاسخ مورد نظر طراح محترم در می‌مانند.

دشمنِ دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود	عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل.	الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.
چاه مکن بهر کسی، اول خودت دوم کسی.	مَنْ حَفَرَ بئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
دربیان این سه، کم جنبان لبث از ذهاب و از ذهب و مذهب	أُسْرُ ذَهَبِكَ وَ ذَهَابِكَ وَ مَذْهَبِكَ
تا توانی می‌گریز از یارِ بد یارِ بد بدتر بود از مارِ بد	الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ.
عاقبت جوینده یابنده بود.	مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ، وَجَدَ.
نو که آمد به بازار، کهنه شود دل‌آزار.	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ.

تمرین دوم: برخی از ضرب المثلها در دو یا چند زبان با کلمات متفاوت به یک پیام اشاره دارند. ضرب المثل‌های این تمرین نیز همین‌گونه هستند.

۱- عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَيِ الشَّجَرَةِ.

گنجشکی در دست بهتر از ده تا روی درخت است. شبیه به ضرب المثل فارسی «سیلی نقد به

از حلّوای نسیه.»

۲- ما تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی. معادل «هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت.»

۳- مَنْ طَلَبَ أَخًا بِلا عَيْبٍ بَقِيَ بِلا أَخٍ.

هرکس دوستی (برادری) بی‌عیب جست‌وجو کند بی‌دوست (بی‌برادر) می‌ماند.

۴- أُسْتُرَ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذَهَبَكَ.

طلایت و رفتنت و مذهب را پنهان کن. (دارایی‌ات و مسافرتت و عقیده‌ات را پنهان کن.)

مولوی شاعر بزرگ ایران در مثنوی معنوی دفتر اول چنین می‌فرماید:

گفت هر رازی نشاید باز گفت	جفت طاق آید گهی گه طاق جفت
از صفا گر دم زنی با آینه	تیره گردد زود با ما آینه
در بیان این سه کم جنبان لبت	از ذهاب و از ذهب وز مذهب
کین سه را خصمست بسیار و عدو	در کمینت ایستد چون داند او
ور بگویی با یکی دو الوداع	کُلُّ سِرٍّ جاوز الِاثْنَيْنِ شاع
گر دو سه پرنده را بندی به هم	بر زمین مانند محبوس از آلم
مشورت دارند سرپوشیده خوب	در کنایت با غلطافکن مشوب
مشورت کردی پیمبر بسته‌سر	گفته ایشانش جواب و بی‌خبر
در مثالی بسته گفتمی رای را	تا ندانند خصم از سر پای را
او جواب خویش بگرفتمی ازو	وز سؤالش می‌نبردی غیر بو

۵- هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ. این اسب و این میدان. شبیه ضرب المثل «این گوی و این

میدان.»

۶- يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا. روزی به نفع ما و روزی به ضرر ما. شبیه این شعر فردوسی شاعر

حماسی ایران زمین که به ضرب المثل نیز تبدیل شده است.

چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین و گهی زین به پشت

تمرین سوم: هدف تمرین تقویت ذخیره واژگانی دانش آموز است. او باید کلمه داخل پرانتز را ترجمه کند؛ سپس با ترجمه چهار گزینه ارائه شده بتواند ارتباط گزینه‌ها را با کلمه مشخص شده معلوم کند.

پاسخ‌ها: المَطَر، العروس، الرياح، البَطَارِيَّة و الحَرِيْق

تمرین چهارم: شش حدیث از کتاب‌های عربی متوسطه اول برگزیده شده است تا دانش آموز جای خالی آنها را با کلمات مناسب ارائه شده پر کند. هرچند از دانش آموز ترجمه عبارات خواسته نشده است، ولی در چنین تمریناتی باید حتماً ترجمه صورت بگیرد، تا مهارت واژه‌شناسی فراگیر تقویت گردد.

تمرین پنجم: هدف یادآوری اعداد اصلی و ترتیبی است. در کتاب عددهای سیزده تا نوزده بنا به پاره‌ای ملاحظات تدریس نشده‌اند. اگر دانش آموزی پرسید به او این طور توضیح دهیم. که شما عددهای سه تا نه را بلد هستید، کافی است بعد از عددهای سه تا نه جزء «عَشْر» را اضافه کنید تا عددهای سیزده تا نوزده به دست بیاید.

ثَلَاثَةٌ، أَرْبَعَةٌ، خَمْسَةٌ... = ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ، أَرْبَعَةٌ عَشْرٌ، خَمْسَةٌ عَشْرٌ...

تمرین ششم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. می‌توان گفت معنای کلمات زیر را بنویسید. اما این تمرین موجب تقویت مهارت خواندن و ترجمه می‌شود. همچنین خواندن عبارت موجب آشنایی دانش آموز با زبان عربی و ذوق پیدا کردن او در جمله‌سازی می‌گردد. هرچند جمله‌سازی از اهداف کتاب نیست. اما همین که دانش آموز توانایی فهم متن و عبارت را پیدا کند، توانایی ساختن را نیز به دست می‌آورد و این در حالی است که در راهنمای معلم تأکید شده است که از دانش آموزان ساختن نمی‌خواهیم.

تمرین هفتم: هدف یادآوری مبحث عدد و جنس اسم است. این مطلب در درس اول کتاب عربی هفتم آموزش داده شده و در عربی هشتم و نهم جهت تثبیت آموخته‌ها تکرار می‌گردد.

لازم است که در کلیه امتحانات از طرح کلماتی مانند بَنَات، سَمَاوَات، سَبْعِينَ، اَخْوَات، اِخْوَةَ، اَبْيَات، اَصْوَات و کلماتی که موجب خطای دانش آموز می‌گردد، خودداری شود. طرح این سؤالات شبیه به کنکور دانشگاه است. دانش آموز با دیدن کلمه بَنَات سردرگم می‌ماند که جمع مکسر است یا جمع مؤنث سالم. گفته می‌شود بنات مُلَحَق به جمع مؤنث سالم است. با دیدن اِخْوَةَ نیز چون دارای اَصْوَات و اَبْيَات چون «ات» دارد، دچار خطا می‌شود. در برگه امتحانی کلمات ساده طرّاحی گردد که اعتماد به نفس در دانش آموز ایجاد کند و البته دبیر اختیار دارد که چنین مواردی را در کلاس توضیح

دهد، ولی طرح آن در امتحان موجب کم شدن نمره دانش آموز می شود. طرح سؤال باید از مواردی باشد که حالت کلی و عمومی دارد.

تمرین هشتم: هدف یادآوری آموخته های دانش آموز در انواع فعل (امر، نهی، مضارع و مستقبل) است.

تمرین نهم: پایان کتاب درسی با تمرین درک مطلب انجام شده است. این یک کار نمادین و نشانگر اهمیت متن است. متن تمرین نهم مبتلا به بسیاری از نوجوانان و جوانان است. کار و بازی با رایانه و بازی های رایانه ای معضلی برای بسیاری از دانش آموزان شده است. در این متن نتیجه بد استفاده نادرست از فناوری های روز نمایش داده شده است. در پایان نیز به روال متون پیشین سؤال درک مطلب طراحی شده است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس همان است که در دروس قبل نیز به آنها اشاره شده است.

دانش افزایی برای دیر (نه برای دانش آموز)

۱- «أَرَادَ» به معنای «خواست» است. أَرَادَ يُرِيدُ، أَرَدُ، إِرَادَةٌ. اسم فاعل مُرِيد و اسم مفعول مُرَاد است.

أَرَادَ با این فعل ها مترادف است: شَاءَ، طَلَبَ، طَالَبَ، سَأَلَ، اِبْتَغَى، رَامَ، رَغِبَ فِي در گویش عامیانه حجازی «بَعَى» به همین معنا به کار می رود؛ مثال: «إِيش تَبْعَى؟» یا «وَش تَبِي؟» یعنی «ماذا تُرِيدُ؟» و در سوریه «شو بَدُّكُ؟» در لبنان «شو بَكُ؟» در عراق «شَتْرِيدُ؟» و در مصر «عاوز إيه؟» معادل «ماذا تُرِيدُ؟» است.

۲- «اِسْتَرْجَعَ»، یعنی «پس گرفت». کاربرد آن در عربی بدین صورت است:

اِسْتَرْجَعَ اَقْلَامَهُ : اِسْتَعَادَهَا، اِسْتَرَدَّهَا

اِسْتَرْجَعَ مِنْهُ مَا اَخَذَهُ : طَلَبَ مِنْهُ اِرْجَاعَهُ

۳- «تَسْلِيم» چند معنا دارد: تحویل دادن، سلام کردن، تسلیم شدن

لَمْ يَبْقَ اِمَامَ الْجُنْدِيْ اِلَّا تَسْلِيْمَ سِلَاحِهِ : وَضَعُهُ، التَّحْلِي عَنِ اسْتِعْمَالِهِ

قَرَّرَ فِي النَّهَائِيَةِ التَّسْلِيمَ بِالْأَمْرِ الْوَاقِعِ : الخُضُوعَ لَهُ، الإِدْعَانَ التَّسْلِيمَ بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدْرِ

تَسْلِيمٌ رِسَالَةً : تَقْدِيمُهَا

التَّسْلِيمُ بِأَقْوَالِهِ : الإِقْرَارُ بِهَا

عملية إعطاء سلعة لمشتريها ميعاد التسليم

ترك الحرب مع الانقياد إلى إرادة المسلم إليه

٤- «حاسوب» معادل عربی کامپیوتر است. در عربی علاوه بر کامپیوتر، کلمات کومپیوتر،

کُمبِیُوتَر و کَمبِیُوتَر نیز گفته می شود. (گفته اند: الكلمات الأعجمیة الفُظْها کما تَشَاءُ.)

٥- «عزل»، یعنی «برکنار کردن». إجراء تَأْدِیْبِیِّ بِانْهَاءِ خِدْمَةِ الْمُوظَّفِ قَبْلَ السَّنِّ الْقَانُونِیِّ مَعَ

حَقُّهُ أَوْ عَدَمَ حَقُّهُ فِي الْمَعَاشِ.



